



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷) مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا (۳۸) الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۳۹)﴾

عدم اثبات عصمت بعضی از اقسام ملائکه

برخی از مطالبی که مربوط به مسائل گذشته است این است که فرشته‌هایی که مأموران عرش و کرسی و وحی الهی و قضا و قدرند بهشت و جهنم را تدبیر می‌کنند اینها معصوم‌اند قرآن کریم دارد که ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۱ که درباره فرشته‌های مسئول جهنم است یقیناً فرشته‌های مسئول بهشت که بالاتر از فرشته‌های مسئول جهنم‌اند آنها هم مصداق ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ﴾ هستند و مانند آن. اما ملائکه‌ای که طبق تعبیر نورانی امام سجاد (سلام الله علیه) هر قطره بارانی که می‌آید مسئولی دارد^۲ ملائکه‌ای که کارهای زمینی را به اذن خدا تدبیر می‌کنند برهان قطعی بر عصمت آنها نیست چون تجرّد قطعی آنها نظیر فرشته‌های حامل وحی ثابت

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

۲. الصحيفة السجادية، دعای ۳: «وَالْهَاطِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ».

نشده بنابراین اگر درباره برخی از فرشته‌ها سخن از تركِ اُولیٰ یا مانند آن مطرح است اگر درباره ملائكة الأرض باشد دلیلی بر نفی آنها نیست.

استحاله جبر و تفویض حتی در غیر انسان

مطلب دیگر این است که جبر مثل تفویض محال است چه درباره انسان چه درباره غیر انسان آنها هم مختارند و از عصمتشان بهره صحیح می‌برند هم عصمت علمی دارند از خطای علم محفوظاند هم عصمت عملی دارند از خطیئه عملی محفوظاند. درباره شأن نزول آیه ۳۷ چیزی مرحوم علامه ندارد که - معاذ الله - وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون اطلاع سری به منزل زید زد و همسرش را در آن حالت دید بلکه از برخی از مفسران نقل می‌کند که وجود مبارك حضرت علاقه‌ای به آن همسر زید داشت و گفتند آنها امر طبیعی است که ایشان این معنا را رد می‌کند و نفی می‌کند.^۱

مطلب بعدی این است که جناب زمخشری در این آیه حرفی برای گفتن نداشت که ما رد کنیم اما این حرف از قدماست مفسران میانی مثل فخر رازی و اینها اگر حرفی داشتند در خلال بحث‌ها رد شد از متأخرین جناب آلوسی دارد دفاع می‌کند که این آیه تطهیر برای همسران پیامبر است که برخی از شبهات ایشان رد شد برخی از شبهات ایشان هم حالا امروز مطرح می‌شود.

پرسش: در رابطه با ملائکه در قرآن اطلاق دارد و ایشان نگفته که ملائکه آسمان‌ها باشند.

پاسخ: بله آنهایی که کارشان مشخص است مدبرّات امر،^۲ صافات صف^۳ و مانند آن درباره ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ که صریح در ملائکه مسئول جهنم است فرمود: ﴿عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ﴾ اینها درباره مدبرّات امر است یا درباره حاملان وحی است یا درباره مسئولان بهشت و جهنم است

۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۲. سورة نازعات، آیه ۵.

۳. سورة صافات، آیه ۱.

و مانند آن اما آن بیان نورانی امام سجاد(سلام الله علیه) که هر قطره باران را فرشته‌ای می‌آورد يك برهان عقلی برای عصمت اینها اقامه نشده يك برهان نقلی قطعی برای عصمت اینها نقل نشده اگر روایتی یا تاریخی داشت که فلان فرشته مثلاً ترك اولی^۱ کرد ما دلیلی بر نفی آنها نداریم ولی درباره فرشتگانی که صریح قرآن این است ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ﴾ آنها باید توجیه بشود.

پرسش: جریان فطرس ملك چه؟

پاسخ: آن هم همین طور است اولاً در آن دعای سوم شعبان ملك ندارد، دارد فطرس، ندارد ملك بود «عاز فطرس بمهده»^۱ بر فرض هم باشد جزء ملائكة الأرض است.

سر برداشت آلوسی از آیه تطهیر بر عصمت همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

اما در جریان حرف جناب آلوسی مستحضرید که خود قرآن کریم با سیاق و سیاقش (يك) و روایات فراوانی که به تعبیر سیدناالاستاد هفتاد روایت از يك طرف و روایات دیگری هم در کنار این هست (دو) شما همه این روایات را گذاشتید کنار دارید از آیه برداشتی می‌کنید که مخالف با خود آیه است سرش این است که بعد از رحلت حضرت و - متأسفانه - تقدیم سقیفه بر غدیر، زعمای حوزه‌های علمیه منطقه‌های اسلامی گروه دیگر بودند آن روز حوزه‌های علمی در محور تفسیر قرآن بحث می‌کرد کم کم فقه و اصول و اینها رواج پیدا کرد و گرنه در صدر اسلام حوزه علمی فقط تفسیر بود خب زعیم حوزه علمیه مکه عبدالله بن عباس بود زعیم حوزه علمیه مدینه ابی بن کعب بود زعیم حوزه علمیه عراق عبدالله بن مسعود است خب شما می‌خواهید آلوسی و امثال آلوسی حرف تازه‌ای داشته باشند و حال اینکه حرف‌ها از آنها نقل شده یا از سدّی نقل شده یا از قتاده نقل شده یا از مجاهد نقل شده که اینها وابستگان به همان گروه صدر اوّلی‌اند اگر وضع اهل بیت به این صورت در نیامده بود اینها زعیم حوزه علمیه می‌شدند آن وقت معلوم می‌شد که از آیات چگونه باید استفاده کرد.

ایشان اصرار دارد که این ضمیر جمع مذکر سالم که دارد ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾^۱ این ضمیر جمع مذکر سالم را انسان به اهل می گوید شاهی اقامه می کند از سوره مبارکه «طه» که در آنجا وجود مبارك موسای کلیم (سلام الله علیه) درباره همسرش و اهلش ضمیر جمع مذکر سالم آورد چون کلمه اهل آمده آیه ده سوره مبارکه «طه» این است ﴿إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا﴾^۲ خب ضمیر جمع مذکر سالم برای اهل آورده اینجا هم ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ به مناسبت اهل، ضمیر جمع مذکر سالم آمد مثل اینکه وجود مبارك موسای کلیم از اهلش با ضمیر جمع مذکر سالم یاد کرد در سوره مبارکه «هود» هم آنجا ضمیر جمع مذکر سالم آورد با اینکه محور اصلی، امرئه حضرت ابراهیم (سلام الله علیه) بود آیه ۶۹ به بعد سوره «هود» این است ﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ * فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تُصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ﴾ آیه ۷۱ به بعد را ملاحظه فرمایید استشهاد آلوسی این است ﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ * قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ * قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ با اینکه مخاطب، امرئه است مع ذلك ضمیر جمع مذکر سالم آمده.

ادله نقض دو مورد مذکور برای همتایی ادبی با آیه تطهیر

این ضمیر جمع مذکر سالم در آیات محل بحث نشان آن نیست که به همسران پیامبران توجهی نشده^۲ هیچ کدام از این دو شاهد ارتباطی با بحث ندارد اما جریان حضرت موسای کلیم چه در آیه ده سوره مبارکه «طه» چه در آیه ۲۹ سوره مبارکه «قصص» ما نمی دانیم همراهان حضرت موسی چه کسانی بودند خود حضرت موسی آنجا که سخن

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۱، ص ۱۹۴.

از اهل نبود، ضمیر جمع مذکر سالم آورد آنجا هم که سخن از اهل است ضمیر جمع مذکر سالم است چه کسی جزء همراهان حضرت بود معلوم نیست در سوره مبارکه «قصص» آیه ۲۹ این است ﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا﴾ به اینها که همراهان او بودند؛ همسرش بود چند نفر از یاورانش بودند معلوم نیست که چه کسی همراهش بود اینها اهل او بودند در چنین موردی می شود گفت که تغلیباً للمذکر علی المؤنث ضمیر جمع مذکر سالم بیاورند ﴿قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ همه ضمیر جمع مذکر سالم است ما نمی دانیم همراهان او چه کسانی بودند این تمسک به عموم در شبهه مصداقیه به عهده اوست شما می خواهید ادعا کنید که زن هست بچه ها هم هستند اما چون اهل است برای کلمه اهل، ضمیر جمع مذکر سالم می آورند.

پرسش: قدر متیقن آن است که همسرش هست.

پاسخ: یکی از آنها آن است اما بقیه چه کسانی هستند ما نمی دانیم ما یقین نداریم همراهان آن حضرت چه کسانی بودند معمولاً در سفر طولانی و دریایی، انسان با يك همسر با يك بچه که حرکت نمی کند شاید همراهانی هم داشته ما از کجا می دانیم که همراهانی نداشته این نظیر تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود عام است اما در جریان سوره «هود» آنجا هم مشخص است قصه حضرت ابراهیم است حضرت اسحاق است حضرت یعقوب، عیال حضرت ابراهیم هم هست خب این همه هستند بعد فرشته ها گفتند: ﴿عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ اگر ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ گفتند، ﴿عَلَيْكُمْ﴾ گفتند بعد از اینکه نام مبارك حضرت ابراهیم گذشت، اسحاق گذشت، یعقوب گذشت، امرئه ابراهیم هم بود در اینجا جا برای تغلیب هست.

اما شما يك گونه پیدا کنید که بیش از بیست بار ضمیر جمع مؤنث سالم باشد چند بار هم ضمیر مؤنث به عنوان ﴿تَوْتَهَا﴾^۱ و مانند آن باشد در فضایی که پیچیده است از ضمیر جمع مؤنث سالم يك ضمیر جمع مذكر سالم داشته باشیم آخر يك گونه شما ندارید بیش از بیست مورد ضمیر جمع مؤنث سالم است چند مورد هم ضمیر مؤنث است مثل ﴿تَوْتَهَا﴾ و اینها این همه ضمیر جمع مؤنث داریم يك مورد ضمیر جمع مذكر سالم، معلوم می شود آنها، این نیستند این چه تعصبی است که دارید؟! شما آن قصه سوره «هود» را آوردید خب آنجا سه تا مذكرند يك مؤنث جا برای تغلیب است جریان سوره «طه» و «قصص» را شاهد می آورید ما که نمی دانیم اهلی که همراهان حضرت موسی بودند از مدین تا مصر سفر دریایی داشتند چند نفر بودند معمولاً هم يك نفر دست زنش را نمی گیرد یا يك بچه كوچك سفر دریایی بکند خب خیلی ها معمولاً این گونه از مسافرت ها با عده ای همراه اند چون ما نمی دانیم اهل، چند نفر بودند از کجا احراز بکنیم که فقط به زنش که اهلیش بود گفته ﴿لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ و مانند آن قبلش ضمیر جمع مؤنث سالم بعدش ضمیر جمع مؤنث سالم چند جا ضمیر مؤنث هم ﴿تَوْتَهَا﴾، ﴿أَجْرَهَا﴾^۲ و مانند اینها هم هست دفعه آآمد فرموده: ﴿عَنْكُمْ﴾، این ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ همان اهل بیتی است که در حدیث شریف ثقلین آمده «إِنِّي تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي أهل بيتي»^۳ این ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ همان است این الف و لامش عوض از آن مضاف الیه است این بیت النبوه است بیت الولایه است بیت الامامه است بیت العصمه است بیت الحجه است بیت قرابت است این بیت سنگ و گل نیست که جناب آلوسی می گوید، می گوید این بیت، «بیت الطین و الخشب»^۴ است همین! خب اگر بیت طین و خشب باشد که دیگر در حدیث ثقلین نمی فرمود «أهل بيتي».

۱. سوره احزاب، آیه ۳۱.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۱.

۳. کمال الدین (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۶۴.

۴. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۱، ص ۱۹۳ و ۱۹۴.

علت آوردن ضمیر جمع مذکر سالم در ماجرای ابراهیم(علیه السلام) و فرشتگان

پرسش: ظاهر آیه سور مبارکه «هود» نشان می‌دهد که....

پاسخ: نه.

پرسش: خطابشان به آن امرئه بود؟

پاسخ: خطاب ﴿تُعْجِبِينَ﴾ به امرئه بود اما خطاب ﴿عَلَيْكُمْ﴾ در حضور حضرت ابراهیم است اینها مهمانان حضرت ابراهیم بودند با او گفتگو داشتند این وسطها تعجب کرد گفت چرا تعجب می‌کنید شما جزء اهل بیتی هستید که خدا به شما رحمت داده خب نام ابراهیم(سلام الله علیه) هست نام حضرت اسحاق هست نام حضرت یعقوب(علیهم السلام) هست در چنین فضایی اگر بگویند چه تعجبی دارید خدا به شما اهل بیت کرامت داد این ضمیر جمع مذکر سالم به جای خودش است.

پرسش: این مؤونه زائده می‌خواهد.

پاسخ: نه، مخاطب اصلی حضرت ابراهیم بود اینها با حضرت ابراهیم سخن می‌گفتند. اینها مهمانان حضرت ابراهیم بودند با او گفتگو کردند حضرت ابراهیم فرمود کجا می‌خواهید بروید فرمودند می‌خواهیم برویم منطقه قوم لوط را ویران کنیم فرمود که ﴿فِيهَا لُوطًا﴾ فرمودند: ﴿نَحْنُ أَعْلَمُ﴾^۵ ما می‌دانیم در آنجا چه کسانی هستند ولی مأموریتی داریم تمام محورهای اصلی گفتگو حضرت ابراهیم است و ملائکه، این يك گوشه حرف آمده تعجب کرده که مگر می‌شود من فرزند داشته باشم گفت چه تعجب می‌کنید در این فضا که حضرت ابراهیم حضور دارد نام مبارك اسحاق و یعقوب هم برده شد فرمود چه تعجب می‌کنید خدا به این خاندان شما كَرَم داد بنابراین او در حاشیه محاوره است نه در متن، جریان حضرت موسی هم که خب مشخص است این ﴿أَهْلَ الْبَيْتِ﴾ همان اهل بیتی هستند که در حدیث معروف ثقلین آمده است که «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی».

۵. سورة عنكبوت، آیه ۳۲.

تفسیرهای غیرمحققانه، محصول جدایی حوزه‌های مکه، مدینه و عراق از اهل بیت (علیهم السلام)

حالا فردا که به مناسبت میلاد حضرت صدیقه کبرا (سلام الله علیها) جشن است که خدمت علما می‌روید فراغت پیدا کنید این سه زعیم را تثبیت کنید که مسئولیت حوزه علمیه مکه را غیر از عبدالله بن عباس دیگری داشت، مسئولیت حوزه علمیه مدینه را غیر از ابی بن کعب دیگری داشت، مسئولیت حوزه علمیه عراق را غیر از عبدالله بن مسعود دیگری داشتند حرف‌ها به دست اینهاست خب اگر به دست اینهاست آلوسی می‌پروراند! حتماً مراجعه کنید. بارها به عرضتان رسید اتلاف عمر حقیقت شرعیه ندارد این تعطیلی بی جا یعنی اتلاف عمر، آدم در روز میلاد حضرت چهارتا مطلب علمی درباره اینها نفهمد خب خسارت است خسارت که دیگر حقیقت شرعیه نمی‌خواهد حقیقت متشرعه نمی‌خواهد اتلاف عمر هم که حقیقت شرعیه نمی‌خواهد حقیقت متشرعه نمی‌خواهد تعطیلی هم معنایش همین است که انسان این مسائلی که مطرح می‌شود بین خود و خدای خود مطالعه و تحقیق کند الآن که وسیله تحقیق اینترنتی فراوان است ببینید این سه حوزه را چه کسی می‌گرداند برای ما هم باید تثبیت بشود آن فراغت مستوعب را نداریم تمام مدرّس‌های حوزه علمیه این سه منطقه را بررسی کنیم اینکه نقل کردند همین است خب خروجی‌اش هم همین سدّی است و قتاده است و مجاهد است و اینها بعد هم به دست زنجشیری می‌رسد بعد هم به دست فخر رازی می‌رسد بعد هم به دست آلوسی این تمام تلاش و کوشش را می‌خواهد بکند که این حرف‌ها را توجیه کند بنابراین ما يك نمونه در قرآن کریم نداریم که مجموعه‌ای از ضمیر جمع مؤنث سالم باشد وسط‌هایش يك ضمیر جمع مذکر سالم.

پرسش: ... پاسخ: اینجا ضمیر همه‌اش جمع مؤنث سالم است این وسط معلوم می‌شود با او نیست.

بررسی ادبی مرجع ضمیر جمع مذکر سالم در آیه تطهیر

پرسش: ... پاسخ: پس معلوم می‌شود که به آنها مربوط نیست اگر اهل بیت همان‌ها باشند دیگر ضمیر جمع مذکر

نمی‌خواهد.

پرسش:.... پاسخ: معنا همان است مگر لفظ بیت یا الفاظ دیگر مؤنث اند آن الفاظی که تاکنون در این آیات به کار رفته که مؤنث نبودند، مؤنث بودن برای این است که مخاطب نساء نبی است چون مخاطب نساء نبی است بیت هم بیت نبی است باید ضمیر جمع مؤنث سالم بیاورد از طرف دیگر قبلاً بیوت بود به صورت جمع، بعداً هم بیوت هست به صورت جمع، وسطها این بیت مفرد چه کار می کند.

در همین آیه ۳۳ فرمود: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ این برای قبل، بعد هم در جریان رعایت بیت نبی آیه ۵۳ فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ﴾ خب این بیوت النساء است مسبوق به جمع، ملحق به جمع، وسطها مفرد این معلوم می شود این بیت غیر از آن بیوت النبی است بله آنجا که جناب آلوسی می گوید بیت طین و خشب است درست است هم آن بیتی که در ﴿قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ آمده بیت الطین و الخشب است هم بیتی که در آیه ۵۳ آمده ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ﴾ بیت الطین و الخشب است بله درست است اما اینجا که نه مثل سابق است نه مثل لاحق است مفرد است معلوم می شود بیت نبوت است بیت ولایت است.

پرسش:.... پاسخ: غرض آن است که اگر این بیت همان بیوت النبی باشد که به تعبیر ایشان طین و خشب است باید جمع باشد شما اهل این بیوت هستید اگر قبلاً جمع است بعداً جمع است دیگر جا برای مفرد نیست چون مخاطب همین زن ها هستند اگر مخاطب همین نساء نبی هستند خب قبلش ﴿بُيُوتِكُنَّ﴾ بعدش هم ﴿بُيُوتَ النَّبِيِّ﴾ است خب وسطش هم باید بیوت باشد چرا حالا وسط مفرد در می آید.

پرسش: در آیه ۳۴ هم بیوت آمده فرمود: ﴿وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾.

پاسخ: آن هم همین طور است که قبل از این است آیه ۳۴ هم باز مربوط به بیوت النبی است.

علت آمدن آیه تطهیر در آیات مربوط به همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

پرسش: حضرت سؤال اساسی این است چون این آیه را در کنار آن آیات که بیش از بیست ضمیر مؤنث آمده آوردند این مسائل پیدا شده آیا آنها که قرآن را جمع آوری می کردند این فکر را نمی کردند که آمدن این آیه در اینجا مشکل ساز می شود؟

پاسخ: حالا اگر این جمله معترضه بود در همین جا هم نازل شد ما اگر یقین داریم این آیه در جای دیگر نازل شد باید بحث کنیم که چرا این آیه را اینجا گذاشتند حالا خود حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد یا بعد از حضرت در زمان خود حضرت امیر به دستور حضرت امیر که از پیغمبر(علیهما السلام) گرفته دستور داد این بحث خاص خودش را دارد اما ما از کجا یقین داریم که این به عنوان يك جمله معترضه حساس در وسط آیه واقع نشده نظیر آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾ عدم ارتباط، معنایش این نیست که این جای دیگر نازل شده عدم ارتباط می گوید قبل و بعد نقشی در تفسیر این آیه ندارد نه اینکه این در جای دیگر نازل شده این را آوردند اینجا بله، اگر ما یقین داشته باشیم که این آیه جداگانه نازل شده و با قبل و بعد نبود به صورت جمله معترضه نبود بله این سؤال مطرح است که چه کسی این دستور را داده حضرت رسول دستور داده حضرت امیر دستور داده اما اگر ما احتمال می دهیم يك مطلب عمیق و اریقی، حساس بود در اثنای این نازل شده مثل اینکه آدم دارد صحبت می کند مطلب مهمی پیش می آید جمله معترضه ای می گوید اگر ما چنین احتمالی بدهیم که این جمله معترضه همراه اینها نازل شده است دیگر جا برای اینکه چه کسی این را اینجا قرار داده نیست پس باید ثابت بشود که یقیناً به عنوان جمله معترضه نیست اگر یقین پیدا کردیم که آسان نیست، بعد یا وجود مبارك پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد یا وجود مبارك حضرت امیر.

بررسی تاریخی عدم امکان جابه‌جایی یا کم و زیاد کردن آیات

قرآن کتابی نیست که کسی بخواهد چیزی را کم بکند چیزی را زیاد بکند يك عدد «واو» را خواستند حذف بکنند برخی از اصحاب شمشیر کشیدند^۶ - که در سوره مبارکه «توبه» گذشت - «واو» ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ﴾^۷ دستور دادند «واو» ﴿وَالَّذِينَ﴾ را حذف بکنند تا ﴿الَّذِينَ﴾ بیان بشود برای احبار یهود یعنی احبار یهود اگر کنزی، ثروتی اندوختند بر آنها حرام است ولی زمامداران اسلامی آزادند این «واو» که «واو» استیناف است عبارت از احبار و رهبان قطع می‌کند یعنی هر کس بخواهد اهل اکتناز باشد جهنمی است چه مسلمان چه یهودی چه مسیحی اینکه می‌گویند يك «واو» کم نشده از همین جاها گرفته شده هیچ کس قدرت نداشت يك «واو» کم بکند یا «الف» زیاد بکند و مانند آن تا اینها بیایند تغییر بدهند.

اجماع علمای بزرگ بر عدم تحریف و حذف قرآن

مرحوم آخوند (رضوان الله علیه) که مسئله تحریف را مطرح کرده فقط از قلم مبارک مرحوم آخوند گذشت «و يساعده الاعتبار»^۸ امام (رضوان الله علیه) خبر آن ادب حکیمانه که داشت نسبت به همه مراجع و بزرگان قبلی فرمایش ایشان را نقل می‌کرد و رد می‌کرد با احترام اما در همین شبستان مسجد اعظم منبرشان در آن ضلع بود وقتی که به این حرف رسیدند گفت این چه حرفی است می‌زنی قرآن و - معاذ الله - اعتبار تحریف!

ناممکن بودن سکوت علی (علیه السلام) در حذف و جابه‌جایی قرآن

هیچ ممکن نیست تحریف در حرم امن قرآن راه پیدا کرده باشد چه اعتباری مساعد است حضرت امیر برای چه می‌خواست ساکت بشود اهل بیت برای چه می‌خواستند ساکت بشوند یعنی به قرآن که اساس دین است دست برده

۶. ر.ک: الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۲.

۷. سوره توبه، آیه ۳۴.

۸. کفاية الاصول، ص ۲۸۵.

بشود و کسی حرف نزنند این چه حرفی است شما می‌زنید؟! حشر او با انبیا و اولیا باشد حشر مرحوم آخوند، حشر شیخ انصاری، حشر مراجع ما از صدر تا ساقه با اولیای الهی باشد.

سرّ فرمایش نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) در «لضربة علی تعدل...»

غرض این است و در جریان عمرو بن عبدود که وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «لضربة علی تعدل» برای آن است که اگر - خدای ناکرده - حضرت امیر شهید می‌شد این خیل خون‌آشام می‌ریختند مدینه، وجود مبارک پیامبر و اهل بیت و همه را از بین می‌بردند و غارت می‌کردند و بساط اسلام ختم می‌شد نه اینکه حالا اگر حضرت امیر شهید می‌شد کس دیگری به جنگ آنها می‌رفت نه از سنخ ﴿يَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾ بود می‌آمدند حضرت را و همه مسلمان‌ها را قتل عام می‌کردند لذا «لضربة علی لعمر و يوم الخندق تعدل عبادة الثقلين».^۹

مغتنم بودن نشست علمای اسلام در وحدت جامعه اسلامی

شما حالا فردا که تعطیل هستید بررسی کنید که این سه حوزه علمیه را چه کسی اداره می‌کرد این در خانه اهل بیت را بستند الآن ما باید کاری بکنیم که این در باز بشود فضای کشورهای اسلامی به لطف الهی این طور است سخنان سودمند رهبر بزرگوارمان را هم دیروز شنیدیم بسیاری از کشورهای اسلامی و علمایشان آمدند که قبلاً حاضر نبودند با ایران گفتگو داشته باشند الآن به برکت خون‌های پاک شهدا، کشورهای اسلامی درهایشان به روی ایران باز شد ایران درش به روی آنها باز شد صدها دانشمند آمدند الآن بهترین فرصت است که ماها حرف مراجعمان را حرف بزرگانمان را ارائه کنیم که ما بحث‌های کلامی مان سر جایش محفوظ است ما از صدر تا ساقه، حرف‌های اینها را نقل می‌کنیم و کاملاً آزادانه رد می‌کنیم آن زمخشری که مقدم بر اینهاست حرفش را رد می‌کنیم فخر رازی که میانی است حرفش را رد می‌کنیم آلوسی که متأخر است حرف او را رد می‌کنیم آنها هم خب

اشکالاتی دارند حرفشان را بگویند اما نه - خدای ناکرده - آنها اجازه بدهند که در آنها سلفی پیدا بشود تکفیری پیدا بشود وهابی پیدا بشود نه ما هم اجازه بدهیم کسی - خدای ناکرده - تندروی بکند بحث‌های کلامی می‌تواند خاورمیانه بیدار را بیدارتر بکند وگرنه آن خواسته بیگانه است که او نه به اسلام علاقه‌مند است نه به تشیع علاقه‌مند است نه به تسنن علاقه‌مند است شما شهدای کردستان را ببینید کم نیست شهدای سیستان و بلوچستان را ببینید کم نیست این اسلام این قرآن و عترت توانست بالأخره بین شیعه و سنی در داخل در خارج وحدتی ایجاد بکند این وحدت را ما نه تنها موظفیم در داخلمان حفظ بکنیم که - به لطف الهی - محفوظ است در این کشورهایی که الآن به بیداری اسلامی دست یافتند هم باید حفظ بکنیم اما بحث‌های کلامی سر جایش محفوظ است ما با احترام نام اینها را می‌بریم با احترام اشکالات اینها را نقل می‌کنیم با احترام هم اشکالات اینها را نقد می‌کنیم آنها هم اگر حرفی دارند بگویند غرض آن است که این کاری که سلفی و وهابی و تکفیری‌ها راه انداختند این نه تنها به سود هیچ کس نیست بلکه به ضرر قطعی اسلام است.

پس بیوت گاهی مفرد است گاهی جمع، ضمیر گاهی مؤنث است گاهی مذکر معلوم می‌شود مطلب دوتا است اگر مطلب از این قبیل است باید که ما از سباق و سیاق نگذریم اگر به روایات تمسک بکنیم که خب هفتاد روایت کم نیست وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از نازل شدن این آیه هر روز می‌آمد در خانه فاطمه (سلام الله علیها) می‌فرمود: «السلام علیکم یا أهل البيت...» ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^{۱۰} این مفسر قرآن است ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ﴾^{۱۱} این دارد تفسیر می‌کند این خودش قرآن ناطق است این مبین قرآن است این هم کلام الهی را به ما رسانده هم معنای کلام الهی را به ما رسانده این قواعد ادبی سباق و سیاق نباید از دستمان برود سباق یعنی «ما يَنْسَبِقُ مِنَ اللَّفْظِ إِلَى الذَّهْنِ» این حجت است سیاق

۱۰. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۷۴؛ کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۵۷.

۱۱. سورۀ نحل، آیه ۴۴.

یعنی محفوف بودن، قبل و بعد بودن، فضای آیه، این مفید ظهور است شما هر دو علامت را دارید هم سباق را دارید

هم سیاق را دارید دیگر ﴿فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ﴾^۱

«و الحمد لله رب العالمين»